

سبک‌شناسی سکه‌های ساسانی*

خسرو قلیزاده**

از زمانهای کهن که نخستین دولتهای ایرانی به وجود آمدند، در طول تقریباً هزار و پانصد سال سه دودمان یکی پس از دیگری حکومت کردند و از بین رفتند: ۱- هخامنشیان که در سال ۵۳۹ پیش از میلاد بابل را فتح کردند و یک امپراطوری بزرگ بنیان نهادند و در پی تهاجم سپاهیان اسکندر مقدونی از بین رفتند، ۲- اشکانیان که در سال ۲۲۶ پیش از میلاد با قربانی کردن سلوکیان یک پادشاهی ایرانی در دوران هلنیسم احیا کردند، ۳- ساسانیان که در سال ۲۲۴ میلادی اشکانیان را شکست دادند و، پس از چهارصد سال فرمانروایی، در سال ۶۵۱ عرصه را برای سپاه اسلام خالی کردند. هر کدام از این دودمانها انواع خاصی از سکه‌ها را ایجاد کردند که هم در طرح روی سکه و هم در طرح اجزای تشکیل‌دهنده آنها به عنوان نماد دولتی این دودمانها شناخته شدند.

در زمان هخامنشیان بر روی سکه‌های بزرگ وضخیم

چکیده: سکه یکی از مهمترین عناصر معرف فرهنگ و اعتقادات و مذهب و آیین اقتصاد هر ملتی است و با بررسی سکه‌های هر ملتی می‌توان به قضاوتهای درستی درباره هويت آن ملت دست یافت. از این نظر سکه‌های ساسانی از جایگاه خاصی برخوردار هستند. زیرا بر دو طرف این سکه‌ها نقوش فراوانی مانند هلال ماه، ستاره، آتش مقدس، آتشدان، تصویر روحانیان، ادوات مراسم مذهبی، انواع جواهرات، دانه‌های مروارید و طرح البسه آن دوران را می‌توان مشاهده کرد. هر یک از این عناصر حامل مفاهیم گسترده فرهنگی و مذهبی و اساطیری هستند. نحوه تولید این سکه‌ها برای اولین بار انقلابی را در چگونگی تولید سریع و آسان مسکوکات موجب شد. سبک سکه‌های ساسانی ملهم از سکه‌های اشکانی بوده و از طرفی با ظهور اسلام تا پایان خلافت عباسیان با اندک تغییری همچنان به عنوان وسیله داد و ستد به حیات خود ادامه داد. این سکه‌ها تا قرن‌ها به عنوان ارز رایج در منطقه آسیا و شرق اروپا و شمال آفریقا مبادله می‌شدند. قدرت اقتصادی دولت ساسانی و تمایل شدید آنها در تظاهر به تفاخر نزد ملل دیگر باعث شد تا این سکه‌ها از سبک منحصر به فردی برخوردار شوند. نگارنده مدت دو سال و نیم به تحقیق در گنجینه سکه‌های موزه ارومیه، به عنوان مجموعه‌ای بی‌نظیر در نوع خود، پرداخته و این مقاله بخشی از ماحصل این تحقیقات است. در این مقاله تلاش شده تا در زمینه سکه‌شناسی از شیوه‌ای نوین استفاده شود.

کلیدواژه: آتشدان، درهم، دینار، الفبای پهلوی، مسکوکات، ارز، ضرب سکه در تاریخ ایران.

* نگارنده وظیفه خود می‌داند که از دکتر کریستوفر ورنر، استاد کرسی ایران‌شناسی دانشگاه بامبرگ آلمان، که زحمت تهیه برخی منابع نایاب این تحقیق را بر خود هموار کردند و آقای پاکدامن، مسئول وقت موزه ارومیه، و نیز خانم سحر نوبخت که در ترجمه برخی از منابع و تایپ این مقاله یار و معین بنده بودند، تشکر کنم.

** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، مرکز ارومیه

طور کامل در ایران رسوخ نکند) ضرب سکه توسط فرمانروایان زیر دست در ایران است. این سکه‌ها نشان می‌دهند که سنن ایرانی بومی از حدود ۲۵۰ سال پیش از میلاد احیا شدند و با ضرب سکه‌های ساسانی به کمال رسیدند. به‌رغم فشار هلنیسم کار سکه زنی همچنان ادامه یافت.

در زمان آنتیوخوس اول ایرانیان خود را تقریباً آزاد و مستقل ساختند و شاهزادگان ایرانی خویش را به عنوان جانشینان قانونی هخامنشیان در ایران (سرزمین آباء و اجدادی خود) معرفی کردند. بر روی سکه‌های شاهزادگان خاندان *fratraka* بالانته شاهان با چهره متمایل به راست دیده می‌شود. در سکه‌هایی که بعداً ضرب شدند، صورت پادشاه به سمت چپ برگشته است. در آخرین سکه‌های این خاندان تأثیر و نفوذ سبک پارسی را در فرم کلاهخود شاهدیم. بر پشت سکه‌های اولین شاهان اشکانی نمادهای آتش مقدس (Erdmann, 1971, p 21)، بنایی مانند برج با سه سازه یا طبقه که می‌توان آن را آتشدان دانست (Hill همان، جدول ۳۴، شماره ۶-۱۴)، برخی اجرام آسمانی مانند هلال ماه و ستاره (همان، شماره ۱۵)، یا ستاره به تنهایی (Erdmann، همان، ص ۷۸) دیده می‌شود. این جزئیات از این جهت دارای اهمیت هستند که ما را با نخستین سکه‌های ساسانی مرتبط می‌سازند.

ساسانیان که اصلاً از فارس برخاستند، به سنت‌های کهن توسل جستند و این امر در طرح سکه‌های آنان مشخص است. به عنوان مثال، ساسانیان برطرف پشت همه سکه‌هایشان تصویر آتشدان ایرانی و در طرف روی سکه تصویر پادشاه وقت را نشان می‌دادند. از طرفی خود سکه‌های ساسانی دارای طرح جدیدی هستند، زیرا ساسانیان اولین کسانی بودند که قطعات نازک را برای ساخت سکه به کار بردند. اینان پیش از همه کارها ضرب سکه را به طور وسیع و سریع امکان‌پذیر ساختند. با ورود قطعات نازک فلزی به صحنه ضرب سکه، ارتباط با فرم کهنه سکه به طور قطعی از بین رفت. از طرفی ساسانیان وزن سکه دوران هلنی را حفظ کردند (Göbl, R., 1978, p.25). در دوران امپراطوری هخامنشیان طلا، نقره و مس به عنوان سکه ضرب می‌شدند. ضرب سکه طلا تنها از

تصاویری ضرب می‌شد. تصویر روی سکه‌ای از دوره هخامنشی، پادشاه را در میدان نبرد نشان می‌دهد، او در دست چپ خود یک زوبین و در دست راست یک کمان دارد (Hill, 1966, table 27, N 23-26). به مرور زمان زوبین حذف شد و تنها پادشاه با یک کمان باقی ماند؛ تصویر پادشاه با کمان تا پایان دوران هخامنشی به عنوان یک الگو و نمونه به کار رفت (Praiy, 1987, p 243). برطرف پشت سکه تنها یک نقش چهارگوش را می‌بینیم، همان‌گونه که امروزه نیز در سکه‌های یونانی متداول است.

سکه‌های اشکانی از روی نمونه‌های سلوکی ساخته شده‌اند (Warwick, 1993, S.LXVIII) و به همین جهت نفوذ شدید فرهنگ یونان را نشان می‌دهند. این سکه‌ها آشکارا بیانگر فرهنگ مختلط شرقی - یونانی هستند که ما آن را هلنیسم می‌نامیم. ویژگی سبک سکه‌های پارسی به مسکوکات هلنی تعلق دارد. نمونه برجسته آن سکه‌های مهرداد اول است که روی سکه چهره پادشاه حک شده و در طرف پشت سکه سیمای ارشک بنیانگزار دودمان اشکانیان که بر روی آتشدان یا سکویی قرار دارد و کمائی در دست اوست، نقش بسته است. از این نظر سرمشق و الگوی آنان مسکوکات سلوکی هستند. در مسکوکاتی که آپولو را بر تخت یا آتشدانی به صورت نشسته نشان می‌دهند، کمان نماد "شکوه جنگاوران پارسی" عنصر اشکانی در طرح پشت سکه است (Warwick, 1993, table 18, N 8). در نوشته‌هایی که گهگاه روی سکه‌های اشکانیان دیده می‌شود، عبارت «دوستدار یونان یا فیلهن/ فیلهنوس» مشخص است. در مورد سبک سکه‌های اشکانی می‌توان گفت نمایش چهره تندیس به صورت سابق از بین رفت و چهره حالت کشیده‌تری پیدا کرد. همچنین الفبای یونانی در نوشته پشت سکه‌ها به تدریج از بین رفت، زیرا قالب‌ساز سکه‌ها ظاهراً بر زبان و خط یونانی تسلط نداشته است. از زمان بلاش اول (حکومت ۵۱ تا ۷۷-۷۸ م) نام پادشاه را غالباً به خط پهلوی بر روی سکه‌ها می‌بینیم بعداً به همان خط پهلوی هزوارش MLK/Mika (شاه) را به جای فرم یونانی *βασιλεύς* مشاهده می‌کنیم.

یکی از نشانه‌های توسل به سنت‌های کهن (رستاخیزی که به طور متوالی ادامه یافت و باعث شد تا هلنیسم به

طرح و ساختمان آن قویاً هنر مصر باستان را به یاد می‌آورد، در ترکیب عوامل خود مانند نمایش بالا تنه از روبه رو و سر در حالت نیمرخ بسیار تأثیرگذار است. بر پشت سکه آتشدانی وجود دارد. در طول تاریخ چهارصد ساله ساسانیان آتشدان، به عنوان نماد مشهور و پرآوازه کیش زردشتی، به رغم تغییرات جزئی، بر رو و پشت سکه‌ها، به عنوان عنصر اساسی باقی ماند. بر روی سکه‌های درهم ساسانی این موارد را می‌توان مشاهده کرد: ۱- نشانه تعیین حدود فضای تصویر از حاشیه سکه، ۲- حاشیه سکه، ۳- ترکیب چهره‌ها، ۴- فرم تاج، ۵- لباس و زیور آلات، ۶- نشانه‌ها و نوشته‌ها.

محدوده فضای تصویر و حاشیه سکه با یک دایره مروارید نشان از هم جدا می‌شد. تا زمان مسکوکات پیروز (۴۵۷-۴۸۴، ۴۵۹م) تنها یک دایره مروارید نشان وجود داشت البته اگر سکه‌های خاص را به حساب نیاوریم. در مورد جانشین پیروز، بلاش (۴۸۴-۴۸۸) بر روی دره‌های نقره او برای نخستین بار دو دایره مروارید نشان دیده می‌شود. اما دایره دوم در زمان پادشاهان بعدی دوباره از بین رفت. در سکه‌های نقره خسرو دوم (۵۹۱-۶۲۸م) باز هم دایره دوم را می‌بینیم. در سکه‌های قباد دوم (۶۲۸م) اردشیر سوم (۶۲۸-۶۳۰م) و یزدگرد سوم (۵۱-۶۳۲م) در سه سال نخستین حکومتش، تنها یک دایره مروارید نشان دیده می‌شود.

در حاشیه بیرونی روی سکه دایره مروارید نشان غالباً با نمادهای کیهانی تزئین شده است و اگر سکه را به صفحه ساعت مانند کنیم، به طور منظم محل این نمادها در نقاط ساعت ۳، ۶ و ۹ هستند. ماه و ستاره به عنوان نماد - البته هلال ماه به تنهایی و ستاره در ارتباط با هلال ماه به کار رفته است. در طول آخرین دوره پادشاهی قباد (۴۹۹-۵۳۱م) ترکیب هلال ماه و ستاره بر حاشیه بیرونی روی سکه جنبه مذهبی پیدا کرد. خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹م) و بهرام چهارم (۵۹۷-۵۹۱(۲)م) بر روی سکه‌هایشان دو هلال تودرتو با یک کره حک کردند. در قسمت وسط روی سکه بالاتنه پادشاه، در حالی که سرش به سمت چپ چرخیده است، قرار دارد. در موارد نادری چهره پادشاه به سمت راست چرخیده است و می‌توان آن را اشتباهی

طرف پادشاه امکان‌پذیر بود، در حالی که ضرب سکه‌های نقره و مس توسط شهربانان نیز صورت می‌گرفت (بیانی، ملکزاده، ۱۳۷۴، ص ۸۰). اشکانیان تنها سکه‌های نقره و مسین ضرب می‌کردند. از این نظر نیز ساسانیان به سنتهای کهن متوسل شدند و دوباره ضرب سکه‌های زرین را رواج دادند. به واسطه مبلغ خراجی که به سبب انعقاد پیمان صلح میان اردوان و ماکرینوس (۲۱۷م) به رومیان تحمیل شد، ظاهراً مقادیر زیادی طلا از جانب رومیان به آسیای غربی سرازیر گشت. وجود این طلاها در آغاز فرمانروایی ساسانیان در ضرب سکه‌های طلا تأثیر به سزا داشت. طبق نظر پاروک (Paruk.F.D.J, 1964, p.31) می‌توان یقین حاصل کرد که هدف از ضرب سکه‌های طلا، یک نوع کسب وجهه و اعتبار و نیز توسل به سنتهای کهن بوده است. سکه‌های طلای ساسانی عموماً تنها توسط شخص پادشاه توزیع می‌شدند.

با وجود ضرب سکه‌های مسین چهار دره‌می (پست‌تر از نقره و با عیار بالایی از مس) سکه‌های ساسانی غالباً درهم نقره هستند، اگرچه سکه‌های نقره کوچکتری نیز وجود دارند. درهم نقره معرفه بی‌چون و چرای شاهان ساسانی از آغاز تا پایان این دودمان است. سکه‌های نقره ساسانی بیش از چهارصد سال، بی‌هیچ تغییر خاصی در سبک، حفظ شدند. به دلیل تثبیت سبک و استاندارد سکه‌ها، درهم ساسانی به عنوان پول یا ارز رایج در خارج از قلمرو ساسانیان نیز رواج یافت.

اهمیت و نقشی که درهم ساسانی دارد این واقعیت را گواهی می‌دهد که درهم ساسانی به عنوان پول نقره در میان سیستم دویولی دوران بنی‌امیه (متشکل از سکه‌های زرین و سیمین) با اندک دگرگونی توانست تحولی در سبک تک‌نگاری درهم اسلامی - عربی ایجاد کند و از مرکز خلافت اسلام به نقاط دور دست آسیای میانه راه یابد و در سکه‌های خلفای عباسی نیز به حیات خود ادامه دهد. بر روی سکه‌های ساسانی عموماً بالاتنه پادشاه نقش می‌شد. بالاتنه در این دوره به طرز قابل توجهی فضای سکه را به خود اختصاص داده است. سر پادشاه متوجه سمت چپ خود و نیمرخ راست در معرض دید و چشم او به نقطه خاصی خیره شده است. این تصویر که از نظر

در مورد تعدادی از شاهان، در کنار شاه تصاویری از اشخاص دیگر نیز حک شده است. این گونه تصاویر دو یا چند نفری بر روی مسکوکات سه پادشاه دیده می‌شود:

۱. اردشیر اول. بر روی چند تا از سکه‌های اردشیر اول او همراه با پسر و ولیعهد خود شاه‌پور. که بنیانگزاران دودمان ساسانی بودند، نشان داده شده است (همان، ص ۵۸ و ۱۰۲ به بعد).

۲. بهرام دوم. سکه‌های خاصی را ضرب کرده که بر روی آنها تصویر دو یا چند نفر دیده می‌شود. در حالی که تصویر یک نفری پادشاه بر روی سکه‌ها به‌ندرت وجود دارد. این تصاویر که بالا تنه دو یا چند نفر را نشان می‌دهند به طور آشکار سرمنشأ رومی دارند (Göbl.R, 1952, N. 10, s. 133ff).

در این گروه سه گونه مختلف سکه وجود دارد: الف) پادشاه و ملکه هر دو به سمت چپ خود نگاه می‌کنند؛ ب) پادشاه سرش را به سمت راست چرخانده و در برابر او ولیعهد قرار دارد؛ ج) پادشاه و ملکه در کنار یکدیگر قرار دارند در حالی که سرشان به سمت راست چرخیده است و ولیعهد در برابر آنان قرار دارد. اینکه سبک این سکه‌ها را از نظر توالی تاریخی چگونه باید مرتب کرد، پرسشی است که تاکنون بی‌پاسخ مانده است. جالب توجه اینکه در این سکه‌ها کلاه ولیعهد متنوع است و چهار نوع مختلف کلاه وجود دارد. بر اساس شواهد مختلف در نقوش برجسته نقش رستم، با شاهزادگان مختلفی مواجهیم. توالی اشخاص در نقوش نقش رستم، مبنایی مناسب برای تاریخ‌گذاری سکه‌ها فراهم می‌آورد.

۳. جاماسب. بر روی سکه‌های این پادشاه یک تصویر در مقابل شاه دیده می‌شود. این تصویر یک ولیعهد ناشناخته را نشان می‌دهد. فرد مقابل به پادشاه چیزی را تقدیم می‌کند که انسان را به یاد حلقه می‌اندازد و، درحقیقت، این تصویر یک صحنه تفویض اختیار یا تاجگذاری را نمایش می‌دهد و روبه روی پادشاه نه یک ولیعهد بلکه ایزد اهورامزدا نشان داده شده است.

بر روی این سکه‌ها پادشاهان تاج بر سر نشان داده شده‌اند. جالب توجه اینکه نه تنها هر پادشاه تاجی با طرح مخصوص به خود را بر سر دارد (که تنها مختص او بوده)، بلکه وقتی پادشاهی تخت سلطنت را از دست می‌داد و

از جانب قالب ساز تلقی کرد، مانند یک سکه از اردشیر اول و بهرام چهارم (Göbl.R, 1978, table 8, N 144). گاهی نیز چهره پادشاه از روبه‌رو نقش بسته است. گوبل معتقد است که این سکه‌ها استثنایی و به مناسبت‌های ویژه‌ای توزیع شده‌اند. سکه‌هایی نیز از اردشیر اول، بهرام چهارم، خسرو اول و خسرو دوم در دست داریم. در برخی موارد سکه‌های این پادشاهان از جنس طلا و از خسرو دوم سکه‌های طلا و نقره موجود است. تنها یک مورد شناخته شده وجود دارد که در آن تصویر پادشاه از روبه‌رو در پشت آتشدان سستی نشان داده شده است (منظور یک سکه از بهرام چهارم است. نک: منظور بالا). در مواردی نیز تصویر چهره‌ای بر پشت سکه‌ها دیده می‌شود. سکه‌های اردشیر به سختی امکان بررسی پدیده‌ها و تعبیر و تفسیر معتبر از آنها را فراهم می‌سازند. در زمان پادشاهی او سبک سکه‌های ساسانی تثبیت شد. بر پشت سکه‌هایی که تصویر اردشیر را از روبه‌رو نشان می‌دهد تصویر پدرش بابک را می‌یابیم. می‌توان گمان برد که در این موارد با نخستین مسکوکات پایه‌گزاران دودمان ساسانی مواجهیم. در این‌گونه سکه‌ها، همانند سکه‌های پارتی که سمت چپ صورت پادشاه را نشان می‌دهند، طرز قرار گرفتن سر تغییر کرده و حالت برتری و چیرگی پادشاه جدید و پایه‌های حکومتی نوپنید را نشان می‌دهند.

در موارد دیگر اغلب با سکه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که به مناسبت‌های ویژه، مانند جلوس پادشاهان، ضرب شده‌اند. یقیناً سکه‌های طلا کمتر به عنوان پول رایج به کار می‌رفتند (Nützel.H, 1962, Col. 14). این سکه‌ها عموماً به وسیله شاهان به منظور گرامیداشت واقعه‌ای بزرگ تولید و برای بیان حسن نظر به عنوان هدیه و تحفه پیشکش می‌شدند. در مورد درهم‌های نقره خسرو دوم که در آنها چهره از روبه‌رو نشان داده شده است، می‌توان گفت به احتمال زیاد این سکه‌ها به مناسبت وقایع سیاسی خاص ایجاد شده‌اند. گوبل در این مورد می‌نویسد: «در این سکه‌ها هیچ نشانی در مورد شهر محل ضرب سکه وجود ندارد، زیرا محل ضرب این سکه‌ها برای همگان مشخص بوده است» (Göbl.R, 1954, S.122f).

ساز اغلب فضایی برای نوشتن عبارات باقی نمی‌ماند. مگر اینکه تنها قسمتی از متن مورد نظر را به شکل ناقص در فضای باقی مانده جا می‌داد. طرف پشت سکه‌های معمولی درهم ساسانی تصویری را نشان می‌دهد که از این عناصر تشکیل شده است: ۱. مرزبندی محدوده تصویر از حاشیه سکه، ۲. حاشیه سکه، ۳. تصویر مرکزی، ۴. نشانه‌ها و نمادها.

حاشیه سکه با دایره مروریدنشان از محدوده آن جدا می‌شد. در آغاز، این جداسازی با یک دایره مروریدنشان انجام می‌گرفت. نخست قباد اول دو ردیف حلقه مروریدنشان را بر روی سکه‌اش به کار برد. بر روی سکه‌های خسرو دوم این دو ردیف دایره نیز وجود دارند و بر پشت سکه سه ردیف دایره مروریدنشان دیده می‌شود. این ترکیب، یعنی دو دایره مروریدنشان، بر روی سکه و سه دایره بر پشت آن تا پایان دوران ساسانیان حفظ شد. البته سکه‌های قباد دوم و اردشیر سوم مستثنا هستند. این سکه‌ها در دو طرف خود تنها یک دایره مروریدنشان دارند. سکه‌های یزدگرد سوم در سه سال اول حکومت، بر طرف روی سکه یک دایره و بر پشت آن دو دایره داشت. در آغاز حاشیه بیرونی سکه‌ها خالی بود و از دوران خسرو دوم به بعد بر حاشیه پشت سکه‌ها نمادهای کیهانی را شاهدیم. در سکه‌های خسرو دوم در ابتدا چهار هلال ماه بر چهار طرف سکه ملاحظه می‌شود. از سال دوم سلطنت او ترکیبی از هلال ماه و ستاره را می‌بینیم. این ترکیب را بدون رعایت تعداد حاشیه‌های مروریدنشان همه شاهان پس از او (به استثنای گستم) تقلید کردند (Göbl, R., 1978, p 17,75). در صفحه 75 سکه‌های بهرام چهارم نشان داده شده که یک هلال ماه بر حاشیه چهار طرف پشت سکه نقش بسته و ظاهراً ناشی از اشتباهی است). بر روی این سکه‌ها تصویر پادشاه به فضای مرکزی سکه نقل مکان کرده است. در درهم‌های ساسانی در پشت سکه تصویر یک آتشدان زردشتی قرار دارد. عنصر اصلی پشت سکه نیز از آیین دینی و روحانی حکایت می‌کند. ترکیب آتشدان که همیشه در وسط سکه نمایش داده می‌شد، به مرور زمان متحول شد. گوبل سه تیپ یا سبک را برای این مورد پیشنهاد می‌کند که البته پیرو توالی زمانی نیستند: ۱. آتشدان با شعله‌های فروزان. ۲. آتشدان با شعله‌های

سپس دوباره آن را به دست می‌آورد، در این حالت نیز یک تاج جدید برای خود برمی‌گزید. این تاجهای گوناگون ابزار اصلی برای گاهشماری و تاریخ سیاسی ساسانیان به شمار می‌روند. تیپ تاج ساسانی از سه بخش تشکیل شده است. پادشاه بر پیشانی خود دیهیم یا نیم‌تاجی نصب می‌کرد و بر بالای آن سرپوشی به شکل شب‌کلاه قرار می‌داد. بالای این شب‌کلاه بخشی از موی سر، که به شکل یک کره است، دیده می‌شد. اصولاً این عناصر بر روی سکه‌های اردشیر وجود دارند. عناصری که نشان ممیزه تاجهای اختصاصی پادشاه هستند بر روی نوار پیشانی بند قرار می‌گیرند. نشانه‌های اقتباس شده برای تاجها به تاجهای ایزدی اختصاص دارند. به طوری که تاج یک پادشاه پیوند او را با ایزد مورد نظر نشان می‌دهد، و از این طریق، پادشاه مورد نظر مشروعیت خود را به دست می‌آورد. در طول زمان ترکیب اجزای تاجها پیوسته پیچیده‌تر شد و در این میان همواره نمادهای بیشتری با یکدیگر ترکیب شدند. به طوری که پادشاه دیگر نمی‌توانست این تاجهای پیوسته سنگین شده را بر سر گزارد. به عنوان مثال تاج خسرو دوم ۹۱/۵ کیلوگرم وزن داشت (کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۰، ص ۵۲۴). طبیعی است که گردن پادشاه تاب و تحمل وزن سنگین تاج را نداشت. به همین سبب تاج را با زنجیر نازک و زرینی از سقف آویزان می‌کردند و او در زیر تاج می‌نشست و به گفته یوستی این زنجیر تا سال ۱۸۱۲ میلادی نیز وجود داشت. بر روی سکه‌های ساسانی در کنار تصویر پادشاه غالباً تزئیناتی وجود دارد که دارای خصوصیات نمادین هستند. این نشانه‌ها از زمان قباد اول رواج یافتند. در حقیقت، هلال ماه و ستاره را هم به طور مجزا و هم به صورت ترکیبی در نقاط مشخصی بر روی سکه‌ها می‌بایم. بجز نمادهای تصویری، همه نوشته‌های روی سکه‌ها نشان می‌دهند که آنها به کدام پادشاه تعلق دارند و اغلب نام پادشاه را بر روی سکه می‌بینیم. از زمان قباد اول بر روی سکه‌ها عناوین کمابیش کلیشه‌ای به نام پادشاه اضافه شد. بزرگی سکه به وزن سفارش داده شده مربوط می‌شد. ضخامت دایره مروریدنشان عموماً ثابت بود و تصویر پادشاه بالا و پایین دایره را اشغال می‌کرد. لذا برای کلیشه

عنصر سنت ایرانی یعنی آتشدان و تختگاه را بر روی سکه‌های خود با هم ترکیب کرد و، به این ترتیب، ایدئولوژی داعیه قدرت ساسانیان را مشروعیت بخشید (همان، ص ۱۰۹). طبق نظر خانم فایلر میز فقط بر روی ستون قرار گرفته است، به طوری که این «قارچها» بیکار مانده‌اند. لذا می‌توان حدس زد که «این قارچهای بیکار برای آنان یک مفهوم نمادین داشته است» (همان، ص ۱۰۵) و این فرضیه نسبتاً جدیدی است. دقیقاً در همان جایی که بر روی سکه‌های اردشیر این «قارچها» وجود دارند، بر روی سکه‌های بعد از او تصاویر آدمکها قرار گرفته‌اند. کسی نمی‌تواند علت این دگرگونی را توضیح دهد. اگر طبق نظر خانم فایلر، نماد «سطح آتشدان با پایه‌های شیر» برای شهروندان آن دوران این تلقی را در پی داشته که پادشاهی ساسانی ادامه قانونی و مشروع امپراطوری هخامنشی باشد، جای تعجب است که چرا برای ایرانیان آن دوره باورهایی به این آشکاری در طول کمتر از بیست سال زاید و غیرضروری شده و ناگهان از روی سکه‌ها محو گشته‌اند. آیا مشروعیت پادشاهی در زمان جانشین اردشیر، یعنی شاه‌پور، دیگر به گواهی نیاز نداشت؟ اگر این چنین است و به این دلیل نمادها و تصاویر تغییر کرده‌اند که ساسانیان با اتکای به خود می‌توانستند حکمرانی کنند، پس چرا بعدها آتشدان با پایه‌هایی چون پنجه‌شیر دوباره گهگاه، در سکه‌هایشان، ظاهر شد؟ برای تعبیر و تفسیر تصاویر روی سکه‌ها باید آنها را در کنار تصاویر و نقوش دیگری که از نظر تاریخ هنر، مذهب و فرهنگ بسیار گویا و مهم هستند، مورد بررسی قرار داد. ضمناً جالب توجه است که در سکه‌هایی که گهگاه با نقش آتشدان با پای شیر پیدا می‌شوند، هیچ شخصی در کنار آتشدان نایستاده است و همیشه آتشدانی دیده می‌شود که یک سطح پهن (بهتر از پایه آن) دارد و با آتشدانی که در کنارش تصویر نگهبان ایستاده تناسب ندارد. در سکه‌های ضرب شده پس از اردشیر اول بر هر دو طرف آتشدان پیکری را می‌بینیم که بر پای ایستاده است. تاکنون

فروزان و تصویر دو نفر که کنار آن ایستاده‌اند. ۳. یک آتشدان که بین دو نفر قرار دارد و در میان شعله‌های آن تصویر سر شخصی دیده می‌شود (همان، ص ۵).

تاکنون هیچ کس به علت حضور این نمادها در سکه‌های ساسانی توجه نکرده است. بر روی یک پایه پهن یک ستون کوتاه افراشته شده و بر روی آن بعداً سطح پهنی به عنوان پایه منقل آتشدان قرار گرفته است. البته سبک دیگری نیز وجود دارد که در آن ستون درازتر است. سرانجام به سبکی می‌رسیم که در آن پایه‌ها و سطح آتشدان بلندتر از حد معمول هستند. در این سبک ستون یک نقش فرعی دارد و مانند یک محور باریک و نازک به نظر می‌رسد. نخستین سبک، آتشدانی مشتعل است. بدین صورت که بر فراز یک پایه با دو سطح که روی هم قرار گرفته‌اند، محوری کوتاه به صورت عمودی برافراشته شده و بر روی آن چهار سطح به شکل میز بنا شده است. سومین سطح (از پایین به بالا) از همه پهنتر است. این سبک آتشدان بر روی سکه‌های اردشیر اول دیده می‌شود. بعدها در مسکوکات شاه‌پور دوم، اردشیر دوم (بجز درمهای او)، شاه‌پور سوم (بجز درمهای او)، بهرام چهارم و یزدگرد اول (بجز درمهای او) با این نوع آتشدان مواجهیم. از زیر بهترین سطح آتشدان، چیزی مانند پنجه‌های شیری به سمت پایین امتداد دارد. این پنجه‌ها بر روی پایه آتشدان آرمیده‌اند و مانند قارچی به نظر می‌رسند. ایلونا فایلر^۱ همین قارچها را در پایه‌های تخت هخامنشیان نیز مشاهده کرده است. به جای این تعبیر، اصطلاحات دیگری نیز به کار رفته است. به عنوان مثال اردمان^۲ (پایه ذغالدان)، توماس (دستگیره حمل و نقل)، لارنگ^۳ و پریر^۴ و گوبل بخوردان را پیشنهاد می‌کنند. ایلونا فایلر از جمله به تخت اردشیر در نقش برجسته تالار صد ستون در تخت جمشید اشاره می‌کند، جایی که نشیمنگاه تخت بر پنجه شیری قرار گرفته است. با قبول این نظریه درباره سکه‌های ساسانی، ظاهراً اردشیر تلاش می‌کرده تا خود را به عنوان وارث تمدن هخامنشیان معرفی کند. با این کار او همزمان برنامه‌های سیاسی خود و ایجاد یک امپراطوری بر اساس طرح و الگوی هخامنشی را طرح-ریزی کرد (Pfiler.I, 1983, hefte 91, p. 109). اردشیر این دو

1. Ilona Pfiler

2. Erdman

3. Lorange

4. Praiy

ستاره تبدیل به نمادهای مذهبی شدند. در سمت چپ شعله آتش، ستاره و سمت راست آن هلال ماه دیده می‌شود. این نقوش، همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، به عنوان تزئینات حاشیه بیرونی سکه نیز به کار می‌روند. لارنگ اظهار می‌دارد که پادشاه با این نمادهای کیهانی به گونه‌ای نشان داده شده که تصویرش دلالت بر لقب او کند. گویی او به عنوان یار ستارگان و برادر خورشید و ماه است که با خورشید طلوع کرده و به شب چشمانی (ماه) هدیه می‌کند (Lorange, 1953, s. 42f). نامی که خسرو دوم بر خود نهاد، یعنی انوشیروان، استنادی است بر این پادشاهی کیهانی. پس این نمادهای کیهانی برای نشان دادن الطاف الهی پادشاه به کار می‌آیند. ماه و ستاره یک نیروی کیهانی یعنی حاکمیت و برتری شاه را به نمایش می‌گذارند. زوندرمان (1966, s. 437-450) در این مورد اظهار می‌دارد که اندیشه نژاد خدایی داشتن پادشاه پیش از این نیز در ایران قبل از ساسانی وجود داشت. این داعیه آسمانی بودن را بر اورنگ خسرو دوم نیز می‌توان دید. تختی که از روی تخت شاهان هخامنشی بازسازی شده بود و برای همگان مشهور است. این تخت مزین به آسمانی مصنوعی با تمامی صور فلکی و ماه و ستاره و دوازده نشان منطقه البروج و هفت سیاره بود که همگی به دور این تخت در گردش بودند. در آن زمان هیبت و شکوه این تخت به قدری بود که هر بیننده‌ای را به تعجب وامی‌داشت. بر پشت سکه‌ها نیز نوشته‌هایی یافت می‌شود. این نوشته‌ها اطلاعاتی هستند که، از یک طرف، با تخت‌گاه و آتشدان و، از طرف دیگر، با اطلاعات شکل‌شناسی و سالنامه‌ای ارتباط دارند. بر روی سکه‌های دوران قدیمی‌تر این نوشته‌ها به صورت فرمول به کار می‌رفتند (آتش... نام پادشاه وقت). نوشته از سمت چپ سکه با دو کلمه اول شروع، در حالی که نام در سمت راست قسمت بالا دیده می‌شود. ابتدا واژه آتش به خط آرامی و به صورت هزوارش *nwrtzy* (= آتش) حک شده است. از زمان شاهپور دوم برابر فارسی میانه، که پیش از این گاهی از آن استفاده می‌شد، نوشته شد. از زمان بهرام پنجم از این نوشته‌ها تنها نام پادشاه باقی ماند. بر روی مسکوکات شاهپور دوم تا زمان یزدگرد دوم بر روی ستون آتشدانها

تفسیر قانع‌کننده‌ای درباره مفهوم و عملکرد این تصاویر ارائه نشده است. در این مورد اردمان نام «تصویر دستیاران» (Assistenz figuren) را پیشنهاد کرده است (Erdmann, K., 1951, p. 87-133). بعضاً یکی از این تصاویر یا هر دوی آنها تاجی بر سر دارند. ممکن است که آن تصویر پادشاه باشد. تصویر پادشاه را تاج بر سر و در وضعیتی متفاوت و با کارکرد دینی نشان می‌دهد. فرض بر این است که تصویر بدون تاج مربوط به موبدی باشد. ابتدا این تصاویر دستیاران از آتشدان فاصله داشتند. از زمان بهرام دوم است که این تصاویر دستیاران به آتشدان نزدیکتر شدند. در دوران سکه‌های خسرو اول این تصاویر با ثبات بیشتری دوباره باز می‌گردند و مانند سرباز یک برج به نظر می‌رسند. هر جا که تصویر دستیاران از روبه رو نشان داده شده‌اند، محور آتشدان بسیار نازک گشته است و این گونه آتشدانها با فرم ستونهای متداول آن زمان تفاوت فراوان دارد. برخی اوقات این دستیاران آتشدان شمشیری بر میان بسته‌اند و همیشه عصایی کوتاه یا بلند در دست دارند. این عصا را می‌توان عصا یا شاخه برسم به حساب آورد. در کنار این سبک، که بی‌شک سبک غالب است، در سکه‌های برخی از شاهان آتشدانهایی وجود دارد که در میان شعله‌های آتش تصویر سری دیده می‌شود. این گونه تصاویر را می‌توانیم در سکه‌های هرمزد دوم، شاهپور دوم، اردشیر دوم، شاهپور سوم و بهرام چهارم مشاهده کنیم. در سکه‌های بهرام پنجم و بلاش تصویر سر در جلوی سطح آتشدان قرار دارد. اینکه آیا این سرها متعلق به پادشاه یا یک ایزد هستند جای بحث است. به گمان کویاجی (۱۳۵۳، ص ۱۹۹، پانویس ۱). دست کم در برخی از این سکه‌ها تصویر میان شعله آتش از آن ایزد بهرام است. چه در دادستان دینیک می‌خوانیم: ... آنگاه آنان آتشی می‌بینند که بهرام در آن است. سکه‌هایی که در آنها، این سر در میان شعله‌های آتش دیده می‌شود، تعداد سطوحشان یک عدد کمتر از سکه‌هایی است که این تصویر سر را ندارند. در منابع مورد مطالعه نگارنده هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده است. در کنار تصویر آتشدان و دستیاران تزئیناتی به کار رفته است که تفسیر نمادین آن بیان خواهد شد. از زمان پیروز، هلال ماه و

بیننده است. چانه پادشاه با ریشی پوشیده شده است. خود ریش نیز از موهای مجعد و تابدار تشکیل و به وسیله تعدادی دانه‌های مروارید مزین شده است. سنین جوانی اردشیر سوم (به دلیل تصویر بدون ریش او) بر روی سکه‌های او به نمایش درآمده است. بینی، چشمان و ابروان از پس‌زمینه تصاویر به طرز بارزی برجسته هستند. جامه شاهانه گشادی که بر تن پادشاه است در ناحیه گردن توسط زنجیری قطع می‌شود و به این زنجیر قطعه جواهری آویخته است. دو نوار منقوش از وسط سینه به طرف شانه‌ها امتداد دارند و در قسمت خارجی شانه‌ها دو نوار به سمت بالا صعود کرده و تا نیمه بالایی چهره امتداد یافته‌اند. گوش به شکل علامت سؤال ترسیم شده و جواهری به آن آویزان است. گیسوان به شکل چندین دسته در بالای گوش تا پشت سر کشیده شده‌اند و به شکل یک کره موئین در بالای شانه چپ خاتمه می‌یابند (خسرو دوم، اردشیر سوم، هرمزد پنجم و یزدگرد سوم). بر روی سکه‌های پیروز این کره موئین حالت منحصر به فردی دارد؛ دسته‌های مو برخلاف سکه‌های قبلی و بعدی قابل رؤیت نیستند. در سکه‌های خسرو اول و هرمزد چهارم حجم این کره موئین تا حد یک گل زیتنی تحلیل رفته است. طرف روی سکه‌ها در نقاط متعددی با نمادهای کیهانی ستاره و هلال ماه یا ترکیبی از هر دوی این نمادها تزئین شده است. این نمادها در طول زمان جنبه مذهبی به خود گرفت. این مسئله شامل سکه‌های پیروز نمی‌شود؛ بر سکه‌های او تنها هلال ماه را به عنوان گلدسته تاج شاهی می‌بینیم. هر پادشاهی ویژگی‌های مختص خود را برای تاجش داشته است.

در مواد بررسی شده، این تاجهای ساسانی همگی تاج کنگره‌دار هستند. کنگره‌ها بر روی یک یا چند نوار پیشانی مرواریدنشان قرار گرفته‌اند. این نوار در قسمت میانی و سمت چپ، کنگره‌ها را بر خود جای داده است - تاجهای اردشیر سوم و یزدگرد سوم در سمت راست نیز کنگره‌هایی دارند؛ بنابراین، دارای سه کنگره هستند - کنگره میانی همیشه از روبه رو نمایش داده شده است و کنگره دیگر یا، درواقع، کنگره‌های دیگر از نیمرخ به تصویر درآمده‌اند. تاجهای شاهان ساسانی که اساساً با

واژه «افزود» (*apzud*) یافت می‌شود. همچنین، بر روی مسکوکات بهرام چهارم واژه «افزود» در سمت راست قسمت بالا. نزدیک آتشدان، و در سمت چپ قسمت بالا نام پادشاه حک شده است.

بر روی سکه‌های این پادشاهان برای نخستین بار نشان محل ضرب سکه را می‌یابیم. این نشانه‌ها، همان‌گونه که در ارتباط با موضوع شناسایی نشانه شهر محل ضرب سکه شرح دادیم، از زمان یزگرد اول جایگاه ثابتی بر پشت سکه‌ها به خود اختصاص دادند. ذکر تاریخ سکه‌ها بر اساس سال پادشاهی ابتدا بر روی سکه‌های پیروز، یعنی بر روی سکه‌هایی که از سال ۲ تا ۸ سلطنت او تاریخ‌گذاری شده‌اند، یافت می‌شوند. از سال یازدهم پادشاهی قباد اول این تاریخ‌گذاری جنبه مذهبی به خود می‌گیرد و بر روی سمت چپ سکه میان تصویر دستیاران آتش و به موازات حاشیه تصویر نشان شهر محل ضرب سکه دیده می‌شود. این سبک در تمام مسکوکات رایج تا پایان شاهنشاهی ساسانیان حفظ شد. حالت تصاویر روی سکه‌ها نسبت به تصاویر پشت سکه تا حدی جالب توجه است، زیرا هر دو طرف سکه در یک زاویه قائم نسبت به هم قرار دارند. آنجا که برطرف روی سکه در بالا (= موقعیت ساعت ۱۲) قرار دارد، بر پشت سکه نقطه ساعت ۹ را می‌یابیم. در این اثر مسکوکات زیر به عنوان نمونه‌هایی برای تحقیق و پژوهش انتخاب شده‌اند: پیروز اول، خسرو اول، هرمزد چهارم، پوران (ما در اینجا با یک سبک ترکیبی خسرو دوم - پوران سر و کار داریم، بدین معنی که سیمای روی سکه مربوط به خسرو دوم و نوشته از آن ملکه پوران است.) خسرو دوم، اردشیر سوم، هرمزد پنجم و یزدگرد سوم. همچنین، محدوده‌های زمانی این سکه‌ها به شدت محدود است و از نیمه قرن پنجم میلادی تا پایان شاهنشاهی ساسانیان را در برمی‌گیرد. این موضوع تجزیه و تحلیل پیکره تصاویر این مواد را آسان می‌سازد. بر روی سکه‌ها حوزه تصاویر به وسیله یک یا چند دایره مرواریدنشان احاطه شده است. در این محدوده بالاتنه پادشاه وقت را می‌یابیم که از روبه‌رو نشان داده شده است؛ در حالی که سر او متوجه سمت راست است. چهره او به صورت نیمرخ نمایش داده شده و چشم در چشم

بحث ما ارتباط دارند، سبکهای زیر را نشان می‌دهند:

۷. یزدگرد سوم. تاج او با تاج خسرو دوم متفاوت است؛ بدین ترتیب که بر نیم تاج پیشانی سه کنگره وجود دارد، همانند اردشیر سوم.

۱. پیروز. با وجود اینکه او در دوران پادشاهیش سه تاج را یکی پس از دیگری بر سر نهاد، در مواد مورد استفاده ما تنها یک تاج به نظر می‌آید که در واقع آخرین تاج پیروز است. بر روی دو بال پهن و قرینه، یک هلال ماه دیده می‌شود. بر بالای این هلال ماه کره‌ای قرار دارد که با وصله‌ها و نقاطی مزین شده است.

علاوه بر نمایش تصویرها همه سکه‌ها نوشته‌هایی را نیز بر روی خود دارند، نوشته‌هایی که در آنها نام پادشاه مربوطه آمده است. به غیر از مسکوکات پیروز که در آنها یک نوشته طولانی یافت می‌شود، کلیه سکه‌های دیگر القاب مسلم و حتمی پادشاه را ذکر می‌کنند. این نوشته‌ها در ارزش‌گزاری مجموعه‌ها اهمیت زیادی دارند. بر پشت سکه‌ها آتشدان ساسانی را همراه با تصویر دو دستیار می‌یابیم؛ سمت راست و چپ شعله‌های آتش نمادهای کیهانی قابل رؤیت هستند، یعنی در سمت راست هلال ماه و در سمت چپ ستاره دیده می‌شود. این نشانه‌ها در سکه‌های پیروز جنبه مذهبی یافته‌اند. در پشت سکه‌ها تصاویر داخل سکه را می‌توان به طور عمودی به پنج منطقه تقسیم کرد: ۱. نوشته، ۲. تصویر دستیار سمت چپ، ۳. آتشدان، ۴. تصویر دستیار سمت راست، ۵. نوشته.

(Gauze, 1973, Abbildungen 1 nach s 10)

با این تقسیم بندی می‌توانیم مواد باقیمانده را در دو گروه جدا از هم تمیز دهیم: سکه‌های پیروز در یک طرف و سکه‌های خسرو اول، هرمزد چهارم، خسرو دوم، اردشیر سوم، هرمزد پنجم و یزدگرد سوم در طرف دیگر. سکه‌های پیروز ابتدا در منطقه ۱ نام پادشاه را نشان می‌دهند، خواه این نام به طور کامل نوشته شده باشد یا به صورت اختصاری با حروف PR به نظر آید. بر روی سکه‌های مربوط به سال ۲ تا ۸ در منطقه ۱ سال پادشاهی را می‌یابیم. بعدها که پیروز تاج جدیدی را انتخاب کرد، در منطقه ۱ دوباره نام پادشاه به حروف رمز حک شد. موادی که برای ما باقیمانده مربوط به همین سبک آخر است. در گروه دوم یعنی گروه مربوط به همه شاهان بعدی که سکه‌های آنان برای ما باقی مانده، در منطقه ۱ تاریخ ضرب دیده می‌شود که، در واقع، سال حکومت پادشاه مربوطه است. در سکه‌های پیروز تصویر دستیاران آتشدان در وضعیت ثابت‌تری قرار دارد. این پیکره‌ها به سبک خاصی درآمده‌اند و مانند یک ستون عمل می‌کنند. دستها به بالا خم شده‌اند. تصویر دستیاران گروه دوم به

۲. خسرو اول. تاج او نیز مانند تاج پیروز است با این تفاوت که آن بالهای پهن و قرینه حذف شده‌اند و آن کره روی تاج نیز تحلیل رفته است.

۳. هرمزد چهارم. او با یک تاج بلند دیده می‌شود، تاجی که هیچ بالی بر فراز آن وجود ندارد. تاج هرمزد چهارم با تاج خسرو اول تنها از این نظر متفاوت است که شب‌کلاه تاج هرمزد شیب‌دار است و در تاج خسرو اول دو نوار در نزدیکی رأس کنگره میانی به سمت چپ انحراف یافته‌اند. در حالی که در تاج هرمزد چهارم تنها یک نوار دیده می‌شود.

۴. خسرو دوم. او در نخستین سال پادشاهیش تاجی بر سر دارد که به تاج پدرش هرمزد چهارم شباهت دارد. در مواد مورد بررسی، ما به طور مداوم با سبک تاج بالدار مواجه می‌شویم. یک دسته نوار از رویه رو به اهتزاز درآمده و تا بالای حاشیه تصویر امتداد یافته و خود را نشان می‌دهند. از میان دو بال یک محور عبور کرده و تا بالای دو بال امتداد یافته است. در نوک این محور ترکیبی از هلال ماه و ستاره قابل رؤیت است. به مرور زمان شب‌کلاه تاج خسرو دوم کوتاهتر شد.

۵. اردشیر سوم. او در طول پادشاهیش دو تاج بر سر گذاشت. سکه‌هایی که در دست داریم تاج دوم را نشان می‌دهند. بر خلاف تاج خسرو دوم، تاج این پادشاه تفاوتهایی را نشان می‌دهد. بر نیمتاج دور پیشانی در سمت چپ، وسط و راست کنگره‌هایی قابل رؤیت است. کنگره میانی از رویه رو نشان داده شده و دو کنگره دیگر از نیمرخ به تصویر کشیده شده‌اند. بر بالای هلال ماه یک کره کوچک قرار دارد.

۶. هرمزد پنجم. تاج او دقیقاً تقلیدی از تاج خسرو دوم است.

زین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸)، *تاریخ مردم ایران*، تهران، امیرکبیر.

صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۷)، *ماه در ایران از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فرای، ریچارد.ن (۱۳۶۸)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

کره‌پن سن، آرتور (۱۳۷۰)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.

کویاجی، جی.سی (۱۳۵۳)، *آیینها و افسانه‌های ایران و چین باستان*، ترجمه جلیل دوستخواه، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.

لوکونین، ولادیمیر گریگوریوویچ (۱۳۷۲)، *تمدن ساسانی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ملکزاده، فرخ (مهر و آبان ۱۳۵۴)، «تداوم فرهنگ هخامنشی در زمان ساسانیان»، *بررسیهای تاریخی*، سال دهم، شماره چهارم.

Erdmann.K.(1951), «Die Entwicklung der sasanidischen Krone», *Art's Islamica*, XV,XVI.

— (1981), *Iranische Feuerheiligtüm*, Leipzig.

Gaube.H (1973), *Arabosasanidische Numismatik*, Braunschweig.

Göbl.R (1978), *Sasanidische Numismatik*, Braunschweig.

— (1954), «Aufbau der Münzprägung», in: *Altheim/stiehl, Ein asiatischer Staat, Feudalismus unter den sasaniden und Ihren nachbarn*, Wiesbaden.

— (1952), «Römische und Sasanidische Büstengruppen», *MONG*, Vol.VII.

Hill, Georg.Fr (1966), *A Catalogue of the Greek Coins in the British Museum, Catalogue of the Greek Coins of Arabia, Mesopotamia and Persia*, London.

Lorange, H.P (1953), *Studies on the Iconography of Kingship in ancient world*, Oslo.

Naumann, R. (1979), « Sasanidische Feueraltäre», *Iranica Antiqua*, VII.

Nützel.H (1962), « Sasanidische Goldmünzen» in: *Amtliche Berichte aus der Königlichen Kunstsammlungen*, XXXIV.

Nützel.H (1970), « Sasanidiache Munztempel», in: *Amtliche Berichte aus den konig Kunntsammlungen*, XXXI.

سمت بیننده چرخیده (از روبه رو نشان داده شده‌اند). بر سکه‌های خسرو اول از سال ۱ تا ۵ حکومتش، دست آدمکی، نزدیک حاشیه تصویر، بلند شده و عصایی را نگه داشته است. این عصا تقریباً در امتداد قامت پیکر قرار دارد. دست دیگر به کمر تکیه داده و شمشیری را نگه داشته است.

بر روی همه سکه‌های خسرو اول از سال پنجم به بعد تصویر دستیار که به روبه رو چرخیده و با هر دو دست به عصایی تکیه داده، دیده می‌شود. این عصا تا بند شلوار می‌رسد و در وسط سکه تصویر آتشدان قرار دارد. بر سکه‌های پیروز بر بالای یک پایه پله‌ای، یک ستون دایره‌ای وجود دارد. بر روی این ستون سطوح آتشدان قرار گرفته‌اند. بالاترین سطح از همه بهتر است. از وسط ستون در هر دو طرف نواری آویزان است. سبک دوم آتشدان را بر روی سکه‌های خسرو اول از سال ۱ تا سلطنتش می‌یابیم. در اینجا ستونها به محورهای باریک و شکننده‌ای بدل شده‌اند، محورهایی که با خطوط مورب دیده می‌شوند. بر روی همه سکه‌های بعدی که در مواد مورد بررسی از آنها استفاده شده این شکل آتشدان را مشاهده می‌کنیم. گونه‌ای که از سال پنجم سلطنت خسرو اول مشروعیت یافت: پله‌های پایه‌ها و سطوح منقل آتشدان تنها به وسیله یک محور کوتاه و نازک به هم مربوط شده‌اند. ساختمان این بنا به صورت یک ساعت شنی به نظر می‌رسد، یعنی با یک برش طولی (X) را می‌سازد. در باریکترین محل دو نوار یافت می‌شوند که از یک طرف به سمت بالا صعود کرده‌اند. در سکه‌های اردشیر سوم این نوارها به سمت پایین امتداد دارند. در منطقه پنجم بر تمامی سکه‌ها که در این نوشته مورد بررسی قرار گرفته‌اند نشانه شهر محل ضرب سکه دیده می‌شود.

منابع

بیات، عزیزالله (۱۳۵۳)، *کلیات تاریخ و تمدن ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران.

بیانی، ملکزاده (۱۳۷۴)، *تاریخ سکه از قدیمی‌ترین ازمه تا دوران ساسانیان*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

Paruk.F.D.J (1964) *Sasanian coins*, Bombay.

Pfifer.I (1983), «Der Theron der Achämeniden als Herrschafts Symbol auf sasanidischen Münzen». *SM*, XXIII. Aug 1983. Hefte 91.

Prai.Gardner (1987), *A Catalogue of the Greek Coins in the British Museum. The Seleucid kings of Syria*, London.

Schipmann.K (1971), *Die Iranischen Feuerheiligtümer*, Berlin, NewYork.

Zundermann.W (1966), «Zur mitteliranisch-christischen Grabinschriftenaus Xian (Volksrepublika china)», mitteilung des Instituts für orientalforschung II.

Warwick, worth (1993), «A Catalogue of the Greek Coins in the British Museum», *Catalogue of the Coins of Parthian*, London. S.LXVIII. ■



ریخت شناسی سکه‌های ساسانی

خسرو دوم (سلطنت: ۵۹۱ - ۶۲۸)

روی سکه

تصویر نیمرخ راست پادشاه در میان دو دایره مروارید نشان (۱) ریش توسط تعداد زیادی دانه‌های مروارید نشان داده شده است (۲) گوش به شکل یک علامت سؤال نمایش داده شده و قطعه جواهری سه تکه به شکل دایره به آن آویزان است (۳) دسته اصلی گیسوان به صورت سه دسته در پشت گوشها به سمت خارج قرار دارند و بر روی شانه راست به صورت انبوه و توپ گردی از مو خاتمه می‌یابند (۴) لباسی که بر تن پوشیده شده در ناحیه گردن با برشی قطع شده است (۵) در وسط سینه به یقه لباس، گوهری به شکل دایره آویخته است (۶) از وسط سینه دو نوار به سمت بالا تا روی شانه‌ها امتداد دارند (۷) دو نوار نیز در بالای شانه‌ها تا نیمه‌بالایی چهره امتداد یافته‌اند (۸).

نمادهای کیهانی: ترکیبی از هلال ماه و ستاره میان حاشیه تصویر و نوار روی شانه‌های هر دو کتف دیده می‌شود (۹) هلال ماه بر روی شانه سمت چپ (۱۰) در سمت داخلی حاشیه تصویر، سمت راست آن ترکیبی از هلال ماه و ستاره (۱۲) هلال ماه و ستاره به عنوان گلدسته تاج (۱۳).

هلال تزئینی: (ترکیبی از هلال ماه و ستاره) در حاشیه بیرونی دو دایره مروارید نشان در موقعیتهای ساعت ۳، ۶، ۹ (۱۴) تاج از دو ردیف نوار پیشانی تشکیل شده (۱۵) که در وسط و سمت چپ آن کنگره‌هایی قرار دارد. کنگره میانی (۱۶) از روبه رو نمایش داده شده و کنگره سمت چپ (۱۷) از نیمرخ تصویر شده است. به نوار پیشانی در قسمت عقب سه نقطه متصل است (۱۸) پشت کنگره میانی نمای روبه روی بالهای پرنده‌ای به صورت قرینه دیده می‌شود که دایره مروارید نشان را از قسمت بالای آن قطع کرده است (۱۹) میان بالها میله‌ای به عنوان محور قرار دارد (۲۰) و بر نوک آن ترکیبی از هلال ماه و ستاره قرار دارد (۱۳).

نوشته‌ها: در حاشیه داخلی و در امتداد دایره مروارید نشان از ساعت ۱ تا ۳.

نام نوشته‌ها: (۲۱) و در حدود ساعت ۹ (۲۲) و در ادامه آن از ساعت ۱۱ تا ۹ (۲۳) در نیمه خارجی دایره مروارید نشان سمت راست سال یازده سلطنت به طور بسیار آشکار دیده می‌شود (۲۴).

پشت سکه

سه دایره مروارید نشان

منطقه ۱: = بیست (۱)

منطقه ۲: تصویر نگهبان آتش از روبه رو با سرپوشی که بر روی آن هلال ماه است (۲) نواری از روی شانه سمت راست به سمت بالا امتداد یافته (۳) لباس از نیمتنه‌ای تشکیل شده و دو ساق پا توسط کفشی با چینهای مورب پوشیده شده‌اند (۴) و بازوان در جلوی بدن و به عصایی تکیه داده‌اند نوک عصا در امتداد پا و از بین آنها به سمت کف زمینه تصویر امتداد یافته‌اند (۵).

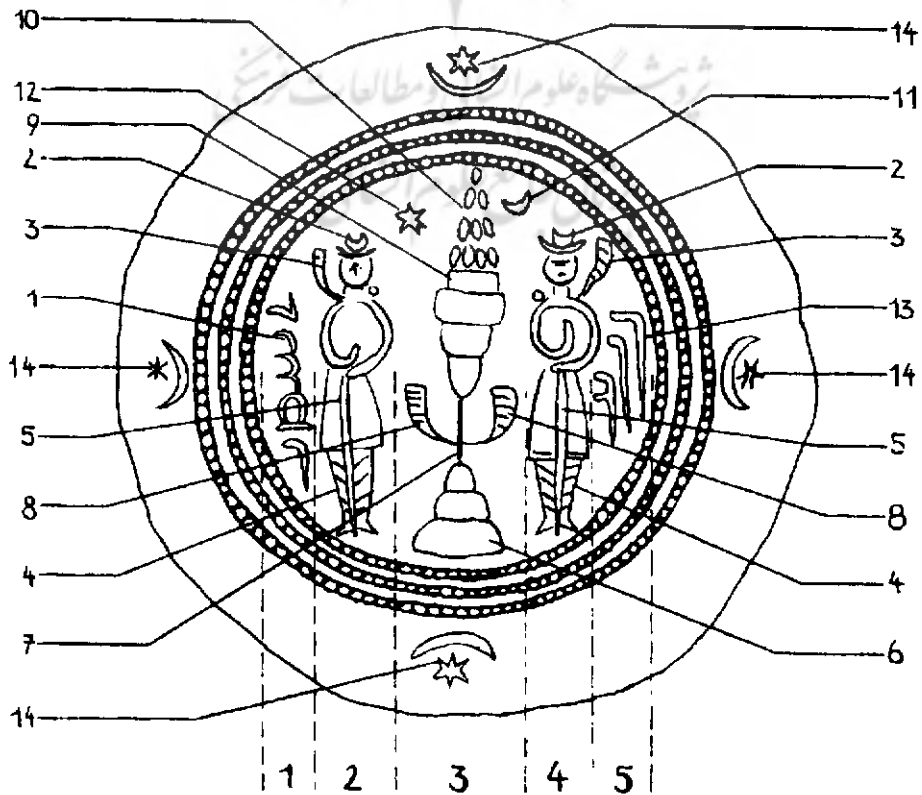
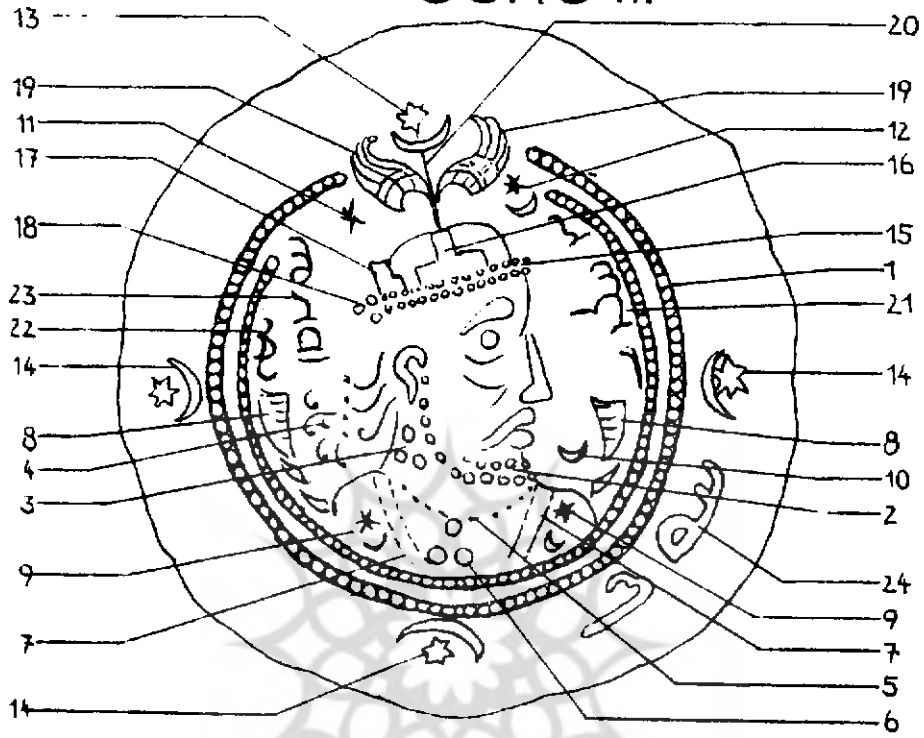
منطقه ۳: آتشدان اساس آن از سه سطح روی هم به عنوان پایه تشکیل شده است (۶) میله‌ای نازک به عنوان محور پایه آتشدان (۷) دو نوار موازی که به سمت بالا امتداد دارند (۸) بخش بالایی از چهار سطح تشکیل شده است (۹) و بر روی آن آتشی افروخته است (۱۰) سمت راست آتش هلال ماه (۱۱) و سمت راست آتش ستاره قرار دارد (۱۲).

منطقه ۴: تصویر نگهبان آتش همانند منطقه ۲ نوار آن از روی شانه سمت چپ به سمت بالا امتداد یافته است.

منطقه ۵: = BBA (۱۳).

هلال تزئینی: ترکیبی از هلال ماه و ستاره در حاشیه خارجی دایره‌های مروارید نشان در موقعیتهای ساعت ۳، ۶، ۹، ۱۲ (۱۴).

XUSRŌ II.



(۲) ملکه بوران: (۶۳۰-۶۳۱ میلادی)

روی سکه

نیمرخ ملکه به سمت راست در دو دایره مروارید نشان (۱) گیسوان به شکل سه دسته موی بافته با مرواریدهایی تزیین شده است. یک دسته موی بافته از پشت سر بر روی شانه افتاده است (۲) دو دسته موی بافته دیگر از شقیقه تا بر روی سینه امتداد دارند (۳) که یکی از این دو دسته موی بافته به واسطه نمایش نیمرخ صورت از ناحیه چانه قابل دیدن است، زنجیری بر گردن است (۴) که در وسط آن جواهری به شکل قطره آویخته است (۵) دو نوار از بیرون شانه‌ها به طرف میانه بالای چهره افراشته است (۶).

نمادهای کیهانی: ترکیبی از هلال ماه و ستاره بین حاشیه تصویر و نوارهای هر دو شانه (۷) هلال ماه بر روی شانه راست (۸) داخل حاشیه تصویر سمت چپ تاج، ستاره (۹) و سمت راست ترکیبی از هلال ماه و ستاره (۱۰) هلال ماه بعنوان گلدسته تاج (۱۱).

تزیینات حاشیه: (ترکیبی از هلال ماه و ستاره) در ساعت ۶،۳، ۹ (۱۲).

تاج تشکیل شده است از دو ردیف نوار پیشانی (۱۳) بر پشت نوارهای پیشانی یک وصله کوچک آویخته است (۱۴) بالای نوارهای پیشانی با سه مروارید جواهرنشان تزیین شده است (۱۵) بالای مروارید میانی تصویر دو بال برافراشته متقارن از روبه رو نشان داده شده که دایره مرواریدنشان را از بالا قطع کرده است (۱۶) میان بالها محور قرار دارد (۱۷) و بر نوک آن هلال ماه و کره‌ای موجود است (۱۸).

نوشته‌ها: در امتداد داخلی حاشیه مرواریدنشان از ساعت ۱ تا ۳ نام نوشته (۱۹) در حدود ساعت ۹ (۲۰) و ادامه آن از ساعت ۱۱ تا ۹ (۲۱).

پشت سکه

سه دایره مروارید نشان

منطقه ۱: = دو (۱).

منطقه ۲: تصویر دستیاری از روبه رو با سرپوشی که بر روی آن هلال ماه است (۲) نوار بر روی شانه چپ افراشته است (۳) لباس تشکیل شده است از بالاپوش، دو کفش با چینهای مورب که تا زانوان را پوشانده (۴) بازوان از ناحیه بالاتنه خم شده‌اند و بر روی عصایی که از میان پاها به کف تصویر تکیه داده‌اند، آرمیده‌اند (۵).

منطقه ۳: آتشدان، پایه از سه سطح سازنده زیر ستون تشکیل شده است (۶) میله‌ای نازک به عنوان محور (۷) دو نوار موازی به سمت بالا افراشته (۸) قسمت بالای آتشدان از چهار سطح تشکیل شده است (۹) بر روی آن شعله‌های آتش افروخته‌اند (۱۰) سمت راست شعله‌ها، هلال ماه (۱۱) و سمت چپ ستاره (۱۲) قرار دارد.

منطقه ۴: تصویر دستیاری همانند منطقه ۲ که نوار آن بر بالای شانه راست افراشته است.

منطقه ۵: = ST (۱۳).

تزیین حاشیه: ترکیبی از هلال ماه و ستاره در موقعیت ساعت ۳، ۶، ۹ و ۱۲ (۱۴).

BURĀN

